

1395/9/24 چهارشنبه

نقش سفارتخانه های خارجی و آمریکا در فتنه 88

ورود آشکار دیپلمات های انگلیسی در میان آشوبگران، نفوذ برخی از رابطین امنیتی سفارتخانه های اروپایی در ستاد کاندیداهای خاص و اعتراف اوباما تحت عنوان قانونی با نام بند 1264 بر ضد ایران تنها نمونه ای از تلاشهای سرویس های امنیتی بیگانه در جهت اهداف شوم امنیتی خود در پوشش فریبنده کنوانسیون های بین المللی و مأموریتهای عادی دیپلماتیک است.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی  در حقوق دیپلماتیک مجموعه قواعدی است که نظام روابط سیاسی خارجی بین دولتها براساس آن استوار است.  در ازای تاریخ کشورها، دیپلماتها و سفارتخانه ها همواره از جایگاه ویژهای برخوردار بودهاند. در این بین برای حسن انجام مأموریت دیپلماتها و سفارتخانه ها، موافقتنامه های متعددی بین کشورها منعقد شده است. اما برخی از کشورهای قدرتمند با نادیده گرفتن اینگونه امتیازها و حسن نیتها با ادعای دنبال کردن منافع ملی و تلاش برای کسب اطلاعات تجاری، سیاسی و اقتصادی در چارچوب معاهده های بین المللی، بسیاری از کنوانسیون ها در مورد روابط دیپلماتیک چون کنوانسیون وین (18 آوریل 1961 مطابق با 29 فروردین 1340) را زیر پا می گذارند. در سالهای پس از پایان جنگ جهانی دوم بسیاری از ملتهای مظلوم جهان سوم بارها طعم تلخ دخالتهای پیدا و پنهان دیپلماتها و سفارتخانهه ای استعمارگران نو را چشیده اند.  
  
  
گرچه با اقدام هوشمندانه جوانان دانشجوی پیروی خط امام خمینی ( ره ) در 13 آبان 1358و تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، بخشی از تاریکخانه سری این مراکز برای افکار عمومی روشن گردید اما گذشت زمان و به ویژه دخالتهای آشکار سفارتخانه هایی چون انگلستان، فرانسه، ایتالیا، امارات، عربستان سعودی و استرالیا در حوادث پس از انتخابات شکوهمند 22 خرداد 1388، خبر از ادامه توطئه ای سازماندهی شده از سوی سرویس های امنیتی بیگانه علیه این مرز و بوم دارد.  
  
حضور آشکار دیپلمات های انگلیسی با نمادهای سبز در میان آشوبگران سبزپوش، نفوذ برخی از رابطین امنیتی سفارتخانه های اروپایی در ستاد کاندیداهای خاص و یا دیدارهای خصوصی و دوستانه سفرای غربی و عربی با برخی از سران فتنه اخیر و اعتراف اوباما بر دخالت در ایران براساس مجموعه اقداماتی تحت عنوان بند به اصطلاح قانونی با نام بند 1264 ( قانون قربانیان سانسور ایران ) تنها نمونه ای کوچک از تلاشهای سرویس های امنیتی بیگانه در جهت پیگیری اهداف شوم امنیتی خود در پوشش فریبنده کنوانسیون های بین المللی و مأموریتهای عادی دیپلماتیک است. گر چه هنوز هم برخی از به اصطلاح روشنفکران غربگرای جامعه ما نقش سفارتخانه های خارجی را در حوادث پس از انتخابات توهم می خوانند؛ اما بسیاری از اسناد گواه بر حق بودن این نظریه دارد. به هر تقدیر نوشتار پیشرو در آستانه سالگرد رفراندوم 40میلیونی ملت به نظام اسلامی در پی واکاوی نقش سفارتخانه های برخی از کشورهای غربی و حامیان منطقه ای آنان در حوادث پس از انتخابات است. به این منظور در ابتدا به وظایف مأمورین دیپلماتیک بر اساس معاهدات بین المللی خواهیم پرداخت.  
  
  
  
**وظایف مأموران دیپلماتیک بر اساس قواعد بین الملل**  
  
مأموران دیپلماتیک به نمایندگی از کشور فرستنده وظایف محوله را البته در چارچوب قوانین و مقررات بین المللی انجام می دهند؛ اهم وظایف آنها به ویژه مسئولیت رئیس مأموریت (سفیر) به قرار ذیل می باشد.  
  
الف- نمایندگی دولت فرستنده نزد دولت پذیرنده؛  
  
ب- حفظ منافع دولت فرستنده و اتباع آن در دولت پذیرنده تا حدودی که درحقوق بین الملل موردقبول است؛  
  
ج- مذاکره با حکومت دولت پذیرنده؛  
  
د- استحضار از اوضاع و سیر وقایع در دولت پذیرنده با استفاده از تمام وسائل مشروع و گزارش آن به حکومت فرستنده؛  
  
هـ- بسط روابط دوستانه و توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی و علمی بین دولت فرستنده و پذیرنده (ذوالعین، تابستان 1384: 120 ).  
  
وظایف مذکور که در مقررات ماده 3 عهدنامه وین پیش بینی شده است مزایا و مصونیت هایی را برای حسن انجام مأموریت مأمورین دیپلماتیک دولت فرستنده در سرزمین دولت پذیرنده در نظر گرفته است. اما همین معاهده دیپلماتهای دولت فرستنده را ملزم به رعایت قوانین، مقررات و شعائر ملی و مذهبی کشور پذیرنده کرده است. علاوه بر این، معاهده وین مقرر داشته که اقدامهای دیپلمات های کشور فرستنده نباید به عنوان عملیاتی برای مداخله در امور کشور پذیرنده بدل گردد (ضیایی بیگدلی، 1383: 382).  
  
بر این اساس کارمندان دولت فرستنده می بایست مأموری که برخلاف مقررات بین المللی عمل کند و فعالیت غیرقانونی انجام دهد، مثلاً اگر در امور داخلی دولت محل خدمت مداخله کند، از سوی کشور پذیرنده به عنوان عنصر نامطلوب تشخیص داده میشود.دراین صورت از دولت فرستنده خواسته میشود که مأمور خویش را فرا بخواند زیرا در غیر این صورت دولت پذیرنده می تواند او را اخراج نماید.  
  
 **انگلیس**  
به گواه تاریخ روابط انگلیس با ایران قبل ازانقلاب و پس از پیروزی انقلاب اسلامی هیچگاه دوستانه و خیرخواهانه نبوده است. انگلیسی ها هرگز صادقانه با ایران برخورد نکردهاند. رفتار آنها با ایران همواره رفتاری مغرضانه، خلاف و دون شأن دیپلماتیک بوده است. آنها برای دستیابی به اهداف خود تنها شکل و شیوه خود را با عصر استعمار تغییر داده اند.  
  
با گذر زمان و حرکت به سمت لحظه های سرنوشت ساز انتخابات ریاست جمهوری دهم، مجموعاً 55 خبرنگار از رسانه های انگلیس تحت عنوان پوشش انتخابات به ایران سفر کردند. در اینجا باید به این نکته اشاره کرد که سه هفته به 22 خرداد پروازهای ایرانایر با وجود جایگزین شدن پروازهای بزرگ بازهم با کمبود جا مواجه می شوند. در این زمان انگلیسیها سعی کردند با افزایش اعزام مسافرانی با اهداف خاص به ایران و با استفاده از آموزههای اطلاعاتی خود بر انتخابات تاثیرگذار باشند.  
  
در این بین سفارت انگلستان در تهران به عنوان مرکز فرماندهی، هدایت و خطدهی اقدامهای مداخله گرانه دولت خود در پروژه طراحی شده توسط برخی از عوامل داخلی فتنه، بیبیسی فارسی و سرویس امنیتی این کشور را بر عهده داشت. سفارت انگلیس تحت پوشش نیروهای محلی،افرادی را بین اغتشاشگران فرستاده ومطالب مورد نظر خود را به آنها و به جامعه القا میکرد. آنها با استفاده از بعضی اغتشاشگران اخباری را در این زمینه جمع آوری و برای شبکه های خبری خود ارسال میکردند. درپی بروز دخالتهای افراد سفارت انگلیس درهمان روزها 8 تن از کارمندان سفارتخانه دستگیر شدند تا نقش مبهم آنها در حوادث انتخابات آشکار شود. عصبانیت و واکنش مقامهای انگلیسی پس از دستگیری کارمندان سفارت انگلیس در تهران خود بیان کننده ترس آنها ازفاش شدن مسائل پشت پرده در خصوص دخالتهای مخربشان در قضایای پس از انتخابات ایران بود( نادری، 10 مرداد 1388: 12).  
  
در تأیید نگرش بالا حسین رسام تحلیلگر ارشد سفارت انگلیس در دومین جلسه دادگاه متهمان براندازی نرم در مورد کیفیت اقدامهای سفارت انگلیس در تهران میگوید: سفارت انگلیس به دلیل سیاستهای خصمانه اش درایران وترس ازافشای ارتباط گیریاش بامنابع داخلی اقدام به ارتباطگیری از طریق کارکنان محلی می کند و به دستور مقام های سفارت من نیز اقدام به ارتباط گیری می کردم.  
  
من حدود 130 مرتبط داشتم که متعهد شدم تعداد آنها را به 180 نفر برسانم و تماسهای من با آنها در اماکن عمومی، رستورانها و کافی شاپها با هزینه سفارت انگلیس بود که مطالب مورد گفت و گو در این جلسه ها نیز به اطلاع مقامهای لندن میرسید. تحلیلگربخش سیاسی سفارت انگلیس در ادامه سخنان خود در مورد تلاشهای سفارت بهویژه در جلب روشنفکران و دگراندیشان ایرانی میگوید: منبع اصلی ما روشنفکرانی بودند که دارای زاویه با نظام هستند. وی به نقش آفرینی شورای فرهنگی بریتانیا دراین ارتباط گیریها اشاره دارد. رسام در این باره می گوید: دوبخش بورسها و پروژه ها ازمهمترین بخش های شورای فرهنگی بریتانیا بود. برای ایجاد مرتبطین جدید در هر دوره از امتحان های آیلس که حدود 2 هزار نفر در آن شرکت میکردند استفاده می شد و اطلاعات این افراد در اختیار شورای فرهنگی بریتانیا قرار می گرفت.  
  
رسام به اقدام های این شورا برای تاثیرگزاری در ارکان حکومتی در جمهوری اسلامی ایران اشاره میکند و در ادامه اعتراف های خود می گوید:این شورا از طریق انعقاد پروژه هایی مثلاً از وزارت بهداشت هم اطلاعات راجمع آوری می کرد وهم تلاش میکرد این نهادها راتحت تأثیرخود قراردهد.  
  
وی شناسایی وجذب نخبگان ازطریق بورسهای مختلف به ویژه بورس مخصوص وزارت خارجه انگلیس و نیز تلاش درجهت دستیابی به پیشرفت های علمی کشوررا از دیگر اهداف شورای فرهنگی بریتانیا و سفارت انگلیس درتهران بر می شمارد.  
  
حمید رسام با اشاره به ارتباط گیری سفارت انگلیس باNGOها،در مورد اهمیت راهبرد دیپلماسی عمومی برای سفارت انگلیس میگوید: راهبرد و سیاست دیپلماسی عمومی ازاساسی ترین شیوه هادرکشورهای مورد هدف بود و سفارت انگلیس درتهران ازطریق وزارت خارجه،سالانه 300 هزارپوند برای این منظوردریافت می کرد.  
  
تحلیلگرارشدبخش سیاسی سفارت انگلیس و یکی از 9 کارمند محلی سفارت انگلستان در تهران در بخش دیگری از اعترافات خود به سفرهای مقام های سفارت انگلیس به شهرهای مختلف ایران اشاره می کند و از آن با عنوان سفرهای استانی سفارت انگلیس یاد می کند. سفرهای استانی اعضای سفارت انگلیس تا 2 روزقبل ازانتخابات انجام می شد و در این سفرها راجع به گرایش های سیاسی مردم شهرهای مختلف و میزان مشارکت آنها تحقیق می شد.  
  
رسام در تأیید اظهارات خود دستورالعمل دو صفحه ای را که به زبان انگلیس نوشته شده بود دربرابردوربین های خبرنگاران وعکاساسان قرارمی دهد و می گوید: دراین دستورالعمل ارسالی ازسوی لندن خواسته شده بود که اظهارنظرهای ائمه جمعه و نمایندگان رهبری ایران پیگیری شود تا مشخص شودکه آیا این افرادجهت خاصی را دنبال می کنند. همچنین خواسته شده بودکه تکیه خاصی روی سپاه و بسیج انجام شودکه آیا دراین انتخابات گرایش خاصی دارند.  
  
وی تصریح میکند: توماسبرن نفر دوم سفارت انگلیس درزمینه ارتباطگیری و تأمین بودجه نقش بسیار ویژه ای داشت. رسام در مورد هماهنگی سفارت با بی بی سی فارسی برای القای تقلب در انتخابات ایران می گوید: گزارش هایی در تهران تهیه می شد که برای وزارت خارجه انگلیس ارسال می گردید که برخی از آنها تبدیل به سیاست ها می شد و توسط شبکه بی بی سی اجرا می شد.  
  
رسام با اعتراف به ناراحتی دولت انگلیس از پیروزی آقای احمدی نژاد چنین می گوید: برای سفارت انگلیس بهت آور بود و در اولین گزارش ارسالی به لندن برروی ادعای یکی از کاندیداها مبنی بر تقلب در انتخابات تأکید شده بود.  
  
این متهم در ادامه از دستور سفارت انگلستان به کارمندان محلی و غیرمحلی سفارت برای حضور در آشوبها خبر می دهد: طبق دستور،سفارت ازکارمندان محلی خواسته بود در اغتشاش ها حضور یابند. پاتریک دیویس کاردار سفارت نیزدر راهپیمایی خیابان انقلاب تادانشگاه صنعتی شریف حضورداشت.(نقش گسترده سفارت انگلیس...، 17 مرداد 1388).  
  
این مطالب و سخنان در حالی است که دبیرسوم سفارت انگلیس نیز بر خلاف تمامی معاهدات بین المللی و به ویژه معاهده وین در مورد روابط دیپلماتیک در اقدامی کاملاً مداخله گرانه وخلاف عرف دیپلماتیک بالباس سبزبه میان تجمع کنندگان رفته وهمراه آنها در راهپیماییهای غیرقانونی حضورمی یابد.در مورد اقدامهای خارج از عرف دیپلماتیک سفارت انگلیس در تهران نکته مهم این است که این گونه حرکتها در هماهنگی کامل با برخی از دیپلمات ها و سفارتخانه های سایر کشورهای غربی صورت می گرفته است. به طور مثال توماسبرن دبیر دوم سفارت انگلیس وشون مورفی دبیرسفارت استرالیا رفت وآمد داشته است  (دیپلماتهای انگلیسی تماسهای مستمری...، 17 مرداد 1388 ).  
  
جالب آنکه پس از آشکار شدن نیات ناصواب سفارت انگلستان در حوادث پس از انتخابات سخنگوی وزارت خارجه انگلیس به جای عذرخواهی از ملت و دولت ایران این گونه حرکات مداخله گرانه را برای دیپلماتهای خود ضروری توصیف می کند!چرا که از منظر این دولت یک فرد می تواند ایرانی مفتخر و وطن پرست باشد و در این ظرفیت برای سفارتخانه خارجی نیز جاسوسی کند.  
  
 **فرانسه و ایتالیا**  
مقام های رسمی فرانسه از همان آغاز اغتشاشها در تهران با فراموش کردن رفتار سرکوبگرانه خود با جوانان حومه های شهرهای بزرگ این کشور بارها و بارها با انتقاد از برخورد حافظان جان، مال و ناموس مردم با آشوبگران از آنچه که تلاش مردم ایران برای دستیابی به دموکراسی و آزادی می خواندند حمایت کردند.  
  
در این بین حاکمیت نیکولا سارکوزی در فرانسه و مواضع آمریکاگرایانه وی بر خلاف مشی ملیگرایانه و اروپا محور پاریس در سالهای پیش از حاکمیت او، در عرصه بین المللی بر عمق حمایت دستگاه دیپلماسی این کشور از اغتشاشگران و سران فتنه افزود.  
  
اینگ ونه سرویس دهی ها به جریان فتنه تا جایی پیش رفت که برنارد کوشنر، وزیرخارجه یهودی الاصل فرانسه به صراحت تمام و برخلاف تمامی اصول دیپلماتیک از آماده بودن سفارت این کشور برای پناه دادن به آشوب طلبان در خیابانهای تهران خبر داد (در ناآرامی های تهران به...، 19 خرداد 1388 ).  
  
به دنبال این دستور سفارت فرانسه درتهران هم نقش پررنگی درحمایت از آشوب های پس ازانتخابات و جاسوسی علیه کشورمان ایفا کرد. نازک افشار، کارمند مرکز فرهنگی سفارت فرانسه که دربخش فرهنگی سفارت فرانسه به مدت 18 سال مشغول فعالیت بوده است،در این باره میگوید: مسئولان بخش فرهنگی این سفارتخانه ازشرکت من دربرخی تجمع های پس از انتخابات خبر داشتند.  
  
وی در مورد دستور مقام های فرانسوی برای گشودن درهای سفارت بر روی آشوبگران می گوید: براساس تصمیم های اتخاذ شده که به ماهم ابلاغ می شد اگر در جریان درگیری که جلوی در بخش فرهنگی ایجادمی شد فردی به سفارت پناه می آوردماباید اورا به داخل بخش فرهنگی پناه می دادیم.  
  
نکته عجیبت ر آنکه فرانکو فراتینی وزیر امور خارجه ایتالیا در این زمینه در اقدامی هماهنگ با سفارت فرانسه اعلام کرد که درهای سفارت کشورش در تهران برای افرادی که نیاز به روادید داشته باشند، باز است و ایتالیا تنها کشوری است که 70 ویزا برای شرکت کنندگان در تظاهرات اخیر تهران صادر کرده است(ایتالیا 70 روادید برای اغتشاشگران...، 14 تیر 1388).  
  
کلوتیدریس،تبعه کشورفرانسه که مدتی دردانشگاه اصفهان تدریس میکرد به دستور سفارت فرانسه به میان تجمع کنندگان میرود و با تهیه اخبار و فرستادن تصاویر از حامیان فتنه سبز به وابسته علمی سفارت فرانسه سعی در انجام تحریک و حمایت بیشتر از فتنه گران در نزد افکار عمومی و رسانه های غربی میکند. مسئولان سفارت فرانسه همچنین درجریان اغتشاشاتی که بعد از انتخابات در تهران و حوالی این سفارتخانه روی داد، در این سفارتخانه را به روی اغتشاشگران گشوده و برای جلوگیری از دستگیری این افراد توسط نیروی انتظامی، آشوبگران را در پناه خود نگهداری می کردند (سفارتخانه های غربی دوربین جاسوسی...، 4 دی 1388).  
  
  
 **امارات و عربستان سعودی**  
  
پس از پیروزی انقلاب اسلامی و رشد بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه بسیاری از سران محافظه کار جهان عرب خود را در محاصره خواستههای رو به افزایش ملتهای مسلمان احساس کردند. ناکامی راهکارهای ملیگرانه، غیردینی و سازشکارانه در برابر اسراییل و در نهایت پیروزیهای مکرر ایران و جریانهای اسلامگرای متاثر از انقلاب اسلامی در سطح خاورمیانه بر عمق ناکامی آنان افزود.  
  
لذا برخی از رهبران این کشورها به علت گرایش ذاتی خود به غرب و گرایش های وهابی تنها راه نجات خود از این وضعیت را تلاش و همکاری پیدا و پنهان با دنیای غرب به منظور تضعیف نفوذ ایدئولوژیک ایران در خاورمیانه دیدند. پس بر این اساس هرگونه ناآرامی داخلی در ایران را در جهت منافع خود لحاظ کردند. در بین کشورهای محافظه کار عرب، امارات به دلیل ادعاهای غیر واقعی در مورد جزایر ایرانی خلیج فارس و عربستان سعودی نیز به علت رقابت سنتی اش با ایران برای رهبری جهان اسلام و خاورمیانه، آشوبهای فتنه گرایانه اخیر را مکانی مناسب برای دنبال کردن منافع خود دیدند. حرکتهای منافی عرف دیپلماتیک سفارتخانه های این دو کشور به ویژه در حوادث روز عاشورا به اوج خود رسید. رضا رفیعی یکی از رابطان سفارت امارات درباره همکاری خود با عوامل امنیتی سفارت امارات به نکات جالبی اشاره می کند:  
  
من درتله سرویس های اطلاعاتی امارات گرفتارشدم ومجبور به همکاری و اطلاع رسانی فعالیتهای خود به آنان بودم. مدت همکاری من حدود 2 سال به طول انجامید در این مدت برای اطلاعات ارایه شده به این سرویس ها ماهانه 5 هزاردرهم امارات دریافت می کردم (اعترافات تکان دهنده اعضای اصلی...، 17 مرداد 1388).  
  
هرچند نقش عوامل بیگانه در ایجاد آشوب در برخی مسیرهای عزاداری روز عاشورا در تهران از سوی مقام های کشورمان انکارناپذیر اعلام شد اما در این میان به نظر می رسد در مقایسه با توجه به نقش برخی قدرت های غربی، آنچنان که باید به نقش عربستان سعودی و افراد مرتبط با این کشور توجه نشده است. چرا که برخی از سرنخ اتفاق های غیرمترقبه و موضوعاتی که در روز عاشورا در تهران اتفاق افتاده است به کشور عربستان سعودی برمی گردد.  
  
عربستان با ارتباط گیری با برخی عوامل اوباش گر و تغذیه مالی آنها، با صرف هزینه های هنگفت برای انجام اقدام های تحریک کننده و آنهم به طور مشخص در موضوع ساختارشکنی مذهبی اجیر کرده بود.سعودی ها با توجه به نگاه منفی ایرانیان به آنها برای این منظور از عوامل مستقیم خود استفاده نکرده و سعی کرده اند با واسطه های خود به این اقدام مبادرت ورزند. این گونه حرکتهای مداخله گرانه در حالی است که دولت عربستان همزمان دولت ایران را به دخالت در یمن و منطقه شیعه نشین خود متهم می کردند(10 دی 1388).

**تاریخ معاصر کشور ما هنوز هم اسرار ناگفته بی شماری از نقش مخرب دیپلماتهای انگلیس، آمریکا و شوروی در وقایع مربوط به جنبش مشروطه، کودتای سوم اسفند 1299 رضاخان، ملی شدن صنعت نفت و سالهای ابتدایی انقلاب اسلامی برای نسل جوان این مرز و بوم دارد.**  
  
**اعتراف آمریکا به سازماندهی فتنه 88**  
  
علی رقم اینکه آمریکا در ایران سفارتخانه ای ندارد، باراک اوباما در گزارش خود که برای رؤسای کنگره و مجلس سنای آمریکا- نانسی پلوسی و جوزف بایدن- ارسال شده، شرح مفصلی از اقدامات ضدایرانی دولت خود در حوزه اطلاع رسانی ارائه کرده است.  
  
براساس گزارش اوباما ، مجموعه این اقدامات تحت عنوان بندی به اصطلاح قانونی با نام بند 1264 ( قانون قربانیان سانسور ایران ) انجام می شود. براساس گزارش اوباما، محور اصلی عملیات رسانه ای کاخ سفید علیه ایران، نهادی دولتی به نام « شورای پخش مدیران» (BBG) است و شبکه خبر فارسی صدای آمریکا (PNN) و رادیو فردا متعلق به رادیو آزاد اروپا/ رادیو آزادی (RFE/RL) از جمله رسانه هایی هستند که در این پروژه نقش دارند و به ادعای اوباما، ایرانی ها از این طریق می توانند به اخبار سانسور نشده و بی طرفانه دست یابند. در این میان تلویزیون شبکه خبر فارسی صدای آمریکا و رادیو فردا نیز به صورت 24 ساعته به پخش برنامه و اخبار می پردازند.  
  
در ادامه این گزارش به تلاش دوچندان آمریکایی ها برای دامن زدن به ناآرامی ها در ایران، درست روز بعد از انتخابات اشاره شده است. گزارش اوباما در این زمینه تصریح می کند: «روز بعد از انتخابات شبکه خبر فارسی صدای آمریکا دو برنامه جدید را در دستور کار خود قرار داد تا به ایرانیان درباره حوادث کشورشان اطلاع رسانی کند. در یک «برنامه صبحگاهی جدید» یک «گزارش ویژه» دو ساعته قرار داده شد که به اخبار انتخابات و حوادث پس از آن می پرداخت.»  
  
در گزارش اوباما سه منبع اصلی برای تامین محتوای برنامه های ضدایرانی رسانه های دولتی آمریکا ذکر شده است. این منابع عبارتند از؛ «1) تصاویر ویدئویی تهیه شده توسط شهروندان روزنامه نگار ایرانی؛2) تلفن های بینندگان از داخل کشور و تشریح آنچه دیده بودند؛ و 3) گزارش هایی از واکنش های ایرانیان خارج از کشور و همچنین واکنش های رسمی کشورهای مختلف از جمله آمریکا.»  
  
فرکانس های ماهواره ای جدید، یک مسیر اینترنتی حفاظت شده، تویتر و فیس بوک از دیگر ابزارهایی بودند که واشنگتن در فتنه سال 88 از آنها برای گسترش اغتشاشات استفاده کرد. در گزارش دولت آمریکا در مورد این ابزارها آمده است؛ «اداره « شورای مدیران پخش»، به منظور پشتیبانی از برنامه ها، فرکانس های ماهواره ای جدیدی را پیش بینی نمود تا از قبل بر انسداد فرکانس های امواج پخش اخبار توسط دولت ایران پیش دستی نماید. همچنین یک مسیر اینترنتی حفاظت شده و منحصر به فرد برای ایرانی ها تعبیه گردید تا تصاویر ویدئویی خود را به شبکه خبر فارسی صدای آمریکا ارسال نمایند. خدمات وب سایت «تویتر» نیز به صفحات وب سایت «فیس بوک» و وبلاگ ها افزوده شد.»  
  
علی رغم شکست این اقدامات، گزارش اوباما نشان می دهد آمریکا از توطئه علیه جمهوری اسلامی دست نکشید، و به دنبال گسترش و تنوع بخشیدن به گزینه های خود است؛ «دولت انتظار دارد که با استفاده از کاربردهای جدید موبایل های آیفون و اندروید (Android)، صاحبان موبایل در ایران و دیگر نقاط جهان بتوانند:  
  
\* به وب سایت شبکه خبر فارسی صدای آمریکا دسترسی داشته و در صورت تمایل مقاله ها را ابتدا دانلود و سپس بخوانند.  
  
\* قطعه های خبری را به صفحات تویتر یا فیس بوک خود بفرستند تا از این طریق اخبار بخش فارسی صدای آمریکا به صورت ویروسی منتشر شود.  
  
\* به صفحه تویتر مخصوص شبکه خبر فارسی صدای آمریکا دسترسی یابند.  
  
\* تصاویر ویدئویی و عکس را در وب سایت شبکه خبر فارسی صدای آمریکا آپلود نمایند.  
  
این امر به ایرانی ها اجازه می دهد تا اطلاعات و تصاویر خود را بدون ذکر نام ارسال نمایند تا صدای آمریکا نیز آنها را پس از بررسی پخش نماید.»  
  
براساس گزارش اوباما، جوانان هدف اصلی پروژه جنگ نرم آمریکا علیه ایران هستند که سعی می شود مستقیم و غیرمستقیم بر ذهن و رفتار آنها تاثیرگذاری شود. این گزارش در این مورد به طور اختصاصی به برنامه های رادیو فردا اشاره می کند؛  
  
«رادیو فردا تلاش کرده تا طیف گسترده ای از اطلاعات مربوط به مسائل داخلی و خارجی را در اختیار شنوندگان ایرانی قرار دهد. رادیو فردا در ابتدای هر ساعت برنامه اخبار را پخش می کند، پس از آن گزارش ها، مصاحبه ها و همچنین بخش هایی پخش می شوند که به مسائل جوانان، زنان، فرهنگ، اقتصاد و سیاست می پردازند. رادیو فردا که عموما بر مخاطبین جوان تمرکز کرده فضایی را بوجود آورده تا ایرانیان علاوه بر دسترسی به جهان خارج، با یکدیگر نیز در ارتباط باشند.  
  
رادیو فردا سعی دارد از طریق آخرین تکنولوژی های اینترنتی و وب سایت های اجتماعی در کنش متقابل با شنوندگان خود قرار گیرد. در وب سایت رادیو فردا، اخبار کوتاه، گزارش های خبری، مصاحبه ها، تحلیل ها، تفسیرها، بخش ارسال نظرات، بخش عکس و همچنین قطعات صوتی و تصویری قرار داده شده اند تا کنش متقابل با بینندگان تقویت گردد.»  
  
این گزارش به جدال ماهواره ای ایران و آمریکا اشاره کرده و قید می کند: «شورای مدیران پخش قبل و پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران، با تنظیم فرکانس ها و اضافه سازی ظرفیت های ماهواره ای جدید به مقابله با پارازیت های ماهواره ای دولت ایران می پردازد. «شورای مدیران پخش خبر» به طور مداوم اقدامات ایران برای ارسال پارازیت را زیرنظر دارد. این اداره مهندسین متخصص خود را به کار گمارده تا با تدوین استراتژی های لازم از دسترسی مخاطبین به برنامه ها اطمینان حاصل نمایند. این چالش بالاخص زمانی بزرگتر می شود که بدانیم برنامه ها باید از فرکانس های آشنا برای مخاطبین خارج شده و یا به ماهواره هایی که کمتر توسط ایرانی ها استفاده می شوند منتقل گردند.»  
  
اوباما در مورد ابزار رادیویی دولت آمریکا در جنگ نرم علیه ایران گزارش می دهد: «اداره «شورای مدیران پخش» پس از 15ژوئن، تعداد فرکانس های موج کوتاه رادیو فردا را دوبرابر کرده است. این افزایش در زمان صبح همچنین اوایل و اواسط عصر رخ می دهد یعنی زمانی که بیشترین مخاطبین در کنار رادیوها قرار گرفته اند. بدین ترتیب فرکانس های ارسال امواج رادیو فردا از 5 به 10افزایش یافتند.»  
  
این گزارش با اشاره به نقش برجسته اینترنت در جنگ رسانه ای علیه جمهوری اسلامی ایران، اقدامات کاخ سفید در این حوزه را اینگونه تشریح می کند: «قبل از انتخابات، تلاش های «شورای مدیران پخش» بیشتر بر وب سایت های فیلترشکن متمرکز بود. همچنین یک نرم افزار فیلترشکن نیز وجود داشت که به کاربران ایرانی اجازه می داد تا به برنامه های شبکه خبر فارسی صدای آمریکا و همچنین رادیو فردا دسترسی یابند.  
  
بعد از افزایش رسمی سانسور در فضای بعد از انتخابات خود ایرانی ها به دنبال راه هایی بودند تا بر این مشکل فایق آیند. «شورای مدیران پخش» در تلاش است تا با یافتن منابع جدید برای حمایت از قراردادهای فعلی با فروشندگان نرم افزارهای فیلترشکن و همچنین یافتن نرم افزارهای جدید، به مقابله با اخلال های دولت ایران در برنامه هایش بپردازد. «شورای مدیران پخش» وب سایت ها و نرم افزارهای فیلترشکن جدید معرفی کرده و تلاش خواهد کرد تا انطباق پذیری و سازگاری کاربران ایرانی را افزایش دهد.»  
  
گزارش مذکور درباره نقش شبکه خبر فارسی صدای آمریکا در اغتشاشات پس از انتخابات می گوید: «پوشش خبری ناآرامی های انتخابات ژوئن 2009 در شبکه خبر فارسی صدای آمریکا با برقراری شبکه گسترده ارتباطات کارکنان این بخش در داخل ایران- روزنامه نگارها، فعالین، تحلیل گران سیاسی- و همچنین کمک های شهروندان روزنامه نگار ایرانی که تصاویر ویدئویی و عکس از تظاهرات و دیگر وقایع تهیه می کردند، رشد چشمگیری یافت. بخش فارسی صدای آمریکا در موبایل ها نیز قابل دسترسی است. در ماه های بعدی امکانات بخش موبایل این شبکه خبری افزایش خواهند یافت.»



گزارش اوباما درباره منابع مالی این پروژه آمریکایی تصریح می کند: « برنامه های اداره « شورای مدیران پخش» برای استفاده از مقادیر اختصاص یافته طبق بخش 1244 عبارتند از :  
  
الف) شناسایی و سپس بسط یا تولید برنامه ها و پلت فرم های ویژه؛ و  
  
ب) بسط یا تولید ظرفیت انتقال اطلاعات از طریق ماهواره، رادیو و یا اینترنت.  
  
پخش خبر به ایران از طریق تلویزیون، رادیو، اینترنت و دیگر پلت فرم های دیجیتالی یکی از اولویت های اداره «شورای مدیران پخش خبر» باقی می ماند. پیرو مبالغ اختصاص یافته برای سال مالی 2010 در «قانون تخصیص هماهنگ» «شورای مدیران پخش» به پشتیانی خود از برنامه های ما ]دولت آمریکا[ برای برقراری ارتباط با مخاطبین ایرانی که اهمیت زیادی دارد، ادامه خواهد داد.  
  
ما از منابع « صندوق پشتیبانی اقتصادی» (ESF) و « صندوق دموکراسی حقوق بشر» (HRDF) استفاده می کنیم تا به مردم ایران ابزار لازم برای دستیابی به حقوق اولیه و تعیین حق سرنوشت خویش را ارائه کنیم. این برنامه ها در سه حوزه عمده قرار می گیرند: (1) تقویت سازمان های جامعه مدنی؛ (2) افزایش آگاهی و تقویت حاکمیت قانون که شامل تبعیت از مفاد قانون اساسی و قوانین جاری ایران است و (3) افزایش آزادی بیان از طریق استفاده خلاقانه از رسانه های جدید به منظور درگیر ساختن جوانان، آموزش روزنامه نگاران طبق استانداردهای بین المللی و تدارک دسترسی به اطلاعات فیلتر نشده در اینترنت و همچنین تدارک امکانات زبان فارسی برای این رسانه ها و ابزار جدید.»  
  
این گزارش از قراردادهای جدید با شرکت های تکنولوژیکی خبر داده و گسترش اقدامات خود ضد جمهوری اسلامی ایران را اینگونه شرح می دهد: توسعه و بهبود سخت افزاری و نرم افزاری لازم در انتقال اطلاعات انجام گرفته است. «شورای مدیران پخش» چهار فرکانس ماهواره ای جدید، یک صفحه در تویتر، کاربردهای جدید در آیفون و اندروید اضافه کرده و همچنین تعداد باندهای موج کوتاه رادیو فردا را دو برابر کرده تا از انتقال اطلاعات به مخاطبین ایرانی حمایت و پشتیبانی کند. همچنین این اداره، قراردادهای خود را با شرکت های تکنولوژیکی ارائه کننده خدمات ضدفیلتر افزایش داده تا وب سایت ها و نرم افزارهای فیلترشکن جدید به کاربران ارائه کند.